



## هیچ چیزی جایگزین تجربه کنسرت نمی شود

سلام ریاضی

### • روند گیتار کلاسیک را در ایران چگونه می بینید؟

در ۷ سال اخیر که به ایران رفت و آمد دارم و به اجرای کنسرت و برگزاری کلاس می پردازم، شاهد پیشرفت موسیقی در بین جوانان هستم. از زمانیکه به ایران آمده ام بیشتر تکیه ام به موزیکالیته بوده، چونکه وقتی از هنرجویان می پرسم که این قطعه چرا اینطور می نوازی، در پاسخ استناد به اجرای مدرس شان یا شنیدن آثار در آلبومهای موسیقی می کنند. ولی از ماهیت خود قطعه اطلاعی ندارند. در واقع معنی قطعه را نمی دانند. سعی ام بر توضیح خود موسیقی بوده و آهسته آهسته سبب پیشرفت آنها شده است.

### • نوع آموزش و چگونگی آموزش به شرایط فرهنگی و اجتماعی یک جامعه بستگی دارد؟

حتماً اینطور است. اگر بسیاری از مدرسین اطلاعات جامعی نسبت به موسیقی و در تمامی زمینه های آن اطلاعات داشته باشند و قادر باشند به هنرجویان منتقل نمایند، بعدشان بیشتر خواهد شد. شاید اینگونه کلاسها و یا فستیوالهای موسیقی در ایران نیست که سبب وسیع شدن بعدشان نسبت به موسیقی شود، چونکه هر چقدر نوازندگان و موسیقیدانان بیشتری به اجرای برنامه بپردازند بسیار موثر است، نه تنها برای هنرجویان مناسب است بلکه حتی برای مدرسین.

### • آموزش گیتار برای کودکان از چه

### سنی و با چه شرایطی (جمعی، انفرادی) مناسب است؟

در خارج از ایران متد "سوزوکی" است که از ۶ سالگی شروع می شود. ولی اینها با اینکه بصورت انفرادی بوده ولی بعد از مدتی هنرجویان را بصورت جمعی تعلیم می دهند و گروه نوازی را به آنها می آموزند. والدین را هم وادار می کنند



عکس از بهروداد امینی

طی زمان معین. ولی بی هدف نباید پای تمرین بنشینند. تمرکز حواس بسیار مهم است حتی اگر در یک ساعت باشد تا اینکه در ساعات زیادی ولی بدون تمرکز تمرین داشته باشد.

### • چگونه یک قطعه ی جدید را باید آغاز به تمرین کنیم، و آیا قبل از آن لازم است پیش زمینه هایی را بطور مثال، آنالیز کردن قطعه، دشیفر کردن قطعه انجام دهیم؟

اولین مورد سلفژ و ضرب آهنگ قطعه است، جمله بندی ها را باید بداند. با ساز و بدون ساز. روی هم رفته در قدم اول بایستی ایده ای از قطعه را بدست بیاورند. توجه به اصول اولیه آن قطعه داشته باشند اگر ریتم قطعه مهم است به آنالیز ریتم بپردازند، ملودی را آنالیز

کنند و سلفژ کنند. در گیتار انگشت گذاری بسیار مهم است. اگر آثار باخ مورد نظر است بایستی به تعدد صداها توجه داشته باشند و خطوط را به تفکیک آنالیز کنند. انگشت گذاری معمولاً بسیار وقت گیر است. خطوط ملودیک را اعم از باس، تنور، آلتو و سوپرانو را دنبال کرده و با تفکیک هر یک، قطعه را انگشت گذاری و اجرا کنند. من یکی از راههایی که خیلی مایلم انجام شود این است که بطور مثال باس را به تنهایی بزنیم و خط ملودی دیگر را بطور مثال سوپرانو بخوانیم و یا برعکس. این تمرینات برای قدرت بخشیدن گوش بخصوص در آثار باخ بسیار موثر است.

### • سیستم آموزش گیتار کلاسیک در

### بی هدف نباید پای تمرین نشست.

که در این کلاسها شرکت کنند تا قادر باشند در منزل به فرزندانشان کمک کنند.

### • تمرین روزانه به چه میزانی توصیه می شود و شامل چه مواردی باید باشد؟

به نظر من تمرین باید خیلی از فکر استفاده شود و با هدف باید صورت گیرد. بطور مثال هنرجو ممکن است در نظر داشته باشد که سرعت بخشی از قطعه را بیشتر کند بنابراین با این هدف باید مصرا نه این کار را انجام دهد و یا هر هدف دیگر



عکس از مهرداد انبسی

### • چشم انداز شما در مورد نوازندگان ایرانی چگونه است؟

استعداد بسیار فراوانی دارند. باید سعی کنند اجرای کنسرت داشته باشند. من خیلی توصیه می‌کنم که گیتاریست های ایران با هم دوست باشند و به همدیگر کمک کنند. به نظر من پیشرفت هنرجویان با توجه به همکاری یکدیگر است. فعالیت های گروهی مثل اجرای دوئت، تریو، کوارتت داشته باشند، یک انجمن ایجاد کنند تا تمام گیتاریست ها گرد هم بیایند و هرآنچه که مثبت است انجام دهند. به نظر من اجرای کنسرت بسیار مهم است. هر چقدر بیشتر بهتر. هیچ چیزی جایگزین تجربه کنسرت نمی‌شود.

### • به نظر شما ضعف هنرجویان گیتار در ایران بیشتر حول چه مسئله ای دور می‌زند؟

مواردی که گفتم، سلفژ، رهبری، فکر در مورد قطعه ای که می‌زنند، اجرای سریع فایده ای ندارد. موزیکالیتیه مهمترین مطلب است و رنگ آمیزی روی گیتار و استفاده از قوه تخیل. من هنرجویانم را تشویق می‌کنم بجای اینکه تنها به آثار گیتار گوش دهند به آثار ویلن، ارکستر، اپرا و هرچیز دیگر گوش دهند. به موزه و نمایشگاه نقاشی بروند تا با ابعاد دیگری هم آشنا شوند. من از هنرجویان گاهی می‌خواهم که شعر بگویند. این سبب می‌شود که ذهن آنها باز شود.

### • جایگاه حافظه را چگونه می‌بینید و شیوه حفظ کردن قطعات با رعایت تمامی جزئیات چگونه باید باشد؟

من برای حفظ کردن از تکنیک "تصویرسازی" (Visualization) استفاده می‌کنم. لازم

استفاده کنید.

### • لطفا در مورد تکنیک "کاشتن دست راست" توضیح بیشتری دهید.

این متد به اینصورت است که دست راست را روی سیم می‌گذاریم و بعد سیم را زخمه می‌زنیم بجای اینکه دست را از هوا روی سیم رها کنیم. این تمرین خیلی تکنیک را قوی می‌کند و از اشتباه جلوگیری می‌کند. مثل ویلن که ابتدا آرشه را روی سیم می‌گذارند و بعد روی سیم کشیده می‌شود، نه اینکه از هوا رها شود. این تکنیک، نوازنده را وادار می‌کند که پیش از زخمه ابتدا فکر کند و تمامی انگشت گذاریها را با تفکر انجام دهد و سبب تجزیه و تحلیل انگشتان دست راست می‌شود. چون گیتاریست ها معمولا به انگشت گذاری دست چپ بیشتر اهمیت می‌دهند، در حالیکه وقتی انگشتان دست راست را می‌گذاریم باید به آنها هم فکر کنیم و خیلی



## سعی ام بر این است که هنرجویان از اجرای آلبومهای موسیقی که می‌شنوند کپی نکنند



از تکنیک های گیتار روی دست راست است، برعکس آنکه همه تصور می‌کنند دست چپ مهم است، بسیاری از ظرافت ها و اجراهای سریع از دست راست می‌آید. البته این تکنیک به دست چپ هم خیلی کمک می‌کند. این تکنیک در آمریکا بوجود آمده است.

### • در مسترکلاسهایی که شما در ایران برگزار کردید، هنرجویان را در چه حدی می‌بینید؟

در سطوح مختلف. برخی پیشرفته اند و برخی کمتر. من علاقه مندم که به هر سطحی تدریس کنم. سعی دارم علاوه بر تکنیک به موزیکالیتیه هم بپردازم. به نظر من تکنیک در خدمت موسیقی است. گیتاریست ها همه گیتاریست هستند اما باید موزیسین شوند و این تاکید من است. اگر اپراها و قطعات ارکسترال را خوب بشنوند و بدانند، راحت تر می‌توانند گیتار بزنند. چون همه اینها زیر چتر موسیقی ست.

ایران بعد از انقلاب مسیر جدیدی را دنبال کرده و شکل گرفته است. شما طی این مدت که به ایران رفت و آمد دارید آیا متد جدیدی را برای آموزش اعمال کرده اید و اگر چنین است تفاوت آن را با متدهای گذشته لطفا توضیح دهید.

کاری که من کردم نسخه های جدیدی را با انگشت گذاریهای جدید خود آورده ام، مخصوصا برای اجرای آثار باخ. چونکه مواردی که از قبل در ایران مرسوم بوده، خیلی قدیمی اند در حالیکه طی این ۱۰-۲۰ سال اخیر خیلی متدها پیشرفت کرده است. همچنین قطعات جدید را سعی کرده ام بین هنرجویان پخش کنم. تکنیکی که من اعمال کرده ام تکنیک "کاشتن" برای دست راست است که در ایران خیلی تحول ایجاد کرده است. ناگفته نماند در خود آمریکا هم این تکنیک جدید محسوب می‌شود و طی این ۲۰ سال اخیر رشد کرده است.

من سعی ام بر این است که هنرجویان از اجرای آلبومهای موسیقی که می‌شنوند کپی نکنند و تلاش کنند خودشان آن قطعه را سلفژ کنند و نسبت به قطعه دید بیشتری پیدا کنند و تازه متوجه می‌شوند که لازم نیست مثل "جان ویلیامز" اجرا کرد و یا مثل کسی دیگر، آنگونه که خودم استنباط می‌کنم می‌توانم اجرا کنم. من سعی دارم به هنرجویان موسیقی بیاموزم، اینکه موسیقی زنده است و لازم نیست که یک قطعه را تنها به یک حالت اجرا کرد و مهم است که خودتان در موسیقی نقش داشته باشید. بخوانید، رهبری کنید، و از قوه تخیل خودتان



عکس از مهرداد انبسی

است چشمت را بسته و تمام نت ها را ببینی. ابتدا با یک گام آغاز کن. اسم نت را با نام انگشت را بگو، مثلا نت "دو"، انگشت ۲، نت "ر"، انگشت ۴. آهسته آهسته به اجرای قطعه می شود رفت. با این تمرین حتی دینامیک قطعه را تجسم کنی، و تمامی اجزاء قطعه که چه در نت نوشته شده و چه نوشته نشده باید احساس شود. در واقع هم از لحاظ فکری، لمسی، تصویری، و مواردی که در اجرا باید رعایت شود بایستی تصویر شود. من حتی در حین پیاده روی، نشستن، دراز کشیدن، سعی می کنم قطعه را در ذهنم تصویر سازی کنم، که این نیز سبب می شود هیچوقت مغز خاموش نباشد.

### • آماده سازی یک قطعه برای اجرای کنسرت چگونه صورت می گیرد؟

ما بیشتر وقتها را در اتاق تمرین به تنهایی سپری می کنیم. ولی برای تمرین اجرا طور دیگری بایستی عمل کرد. در اتاق تمرین سعی شود حتی با ایجاد تغییر جزئیات، مثلا با تغییر صدلی رو به دیوار حالت دیگری ایجاد کنیم. با ضبط اجرای خودمان و شنیدن اجرا و تطبیق آن با نت سبب می شود تا مشکلاتمان را بهتر متوجه بشویم. این کار از یکماه پیش از کنسرت هر روز بطور مکرر باید انجام شود.

### • چه فاکتورهایی برای رفع تنش و اضطراب صحنه مهم است؟

به نظر من نوازنده هر چقدر در مورد قطعه اطلاع داشته باشد کمتر دچار اضطراب می شود. هر چقدر درگیر جزئیات قطعه باشد دیگر فرصت نمی کند که به چیز دیگری فکر کند. تمرکز حواس روی قطعه سبب کم شدن تنش می شود. فقط مثبت باید بیاندیشد. اینکه این اجرای موسیقی قرار است برای شنوندگانی باشد که آمده اند



## از هنرجویان گاهی می خواهیم که شعر بگویند. این سبب می شود که ذهن آنها باز شود.



لذت ببرند. من اصولا از لغت اضطراب استفاده نمی کنم چونکه انرژی منفی دارد، ترجیح می دهم بگویم هیجان. من سعی می کنم که خودم را جای شنونده بگذارم و فکر می کنم که من هم از اجرا می خواهم لذت ببرم. سعی می کنم حتی نزدیک به شنوندگان بنشینم تا نفس آنها را احساس کنم.

• هنرجویان ایرانی تمایلی به تمرین آثار آهنگسازان دوره کلاسیک مثل "جولیانی"، "سر"، "کارولی" ندارند و بیشتر به آثار دوره باروک و از سوی دیگر به آهنگسازان معاصر و آمریکای لاتین تمایل نشان میدهند. آیا برای تعلیم، تمرین اتودهای مثل "سر" اجباری است؟

من که در آمریکا تمام دانشجویان را مجبور می کنم تا تمامی اتودهای "سر" را بزنند و اگر هم همه را نمی زنند، ولی بیشتر آنها را تمرین کنند و راجع به آنها بدانند. اتودهای سر خیلی اجباری است، چون هر اتودش هم یک مورد تکنیکی را درس می دهد و هم موزیکالیتته. جولیانی و "آگوادو" بیشتر تکنیکال هستند. سر از همه بیشتر موزیکال است. به سر می گویند بتهوون گیتار. ولی به موازات آنها باید قطعه هم زد.

• شما معتقدید که تکنیک به همراه قطعه باید فرا گرفت یا اینکه تمرین تکنیک مستقل از تمرین قطعه باید صورت بگیرد؟

ببینید، اگر قطعه ای دارای گام های متعددی باشد باید از قبل بداند که گام چگونه باید اجرا کرد. اگر گام سه اکتاوی در قطعه وجود داشته باشد باید بداند آن گام سه اکتاوی را چگونه بزند. تا تکنیک آنرا نداشته باشد نمیتواند قطعه را بزند، چون دچار مشکل خواهد شد. بنابراین باید ببینید دست ها اعم از راست و چپ چه کار باید بکنند تا راحت قطعه را بزنند. ولی اگر تنها به اجرای تکنیک پردازد و قطعه نزند سبب خستگی می شود. بنابراین باید بالانسی بین آنها باشد. انتخاب قطعه باید چگونه ای صورت بگیرد که از توانایی آن شخص خارج نباشد. متد سوزوکی تکنیک را ادغام با موسیقی کرده است، یعنی قطعات ضمن اینکه از لطافت موسیقی برخوردار است تکنیک هم تمرین می دهد. به نظر من تکنیک را باید در حین قطعه تمرین کرد تا جذابیت ایجاد شود.

• در مورد پایان نامه ی دکترای خودتان لطفا توضیح دهید.



تذکرای من نقاشی های "گویا" است به نام "۲۳ کارپوچو" و این قطعات متعلق به "ماريو کاستل نوئوو- تدسکو" (۱۹۶۸-۱۸۹۵) است که براساس این نقاشی ها نوشته شده است. این قطعات در آن زمان در ۴ جلد چاپ شد که هر جلد ۶ قطعه دارد. این آثار توسط "جیلاردینو" ویرایش شده بودند که بعد از مرگ آهنگساز آنها را به چاپ رساند. بسیاری از این قطعات برای گیتار مناسب نبودند، چون تدسکو پیانو را خوب می شناخت ولی برای گیتار بگونه ای نوشته بود که برخی از آنها غیرقابل اجرا بود. جیلاردینو با اصلاح آن آثار، آنها را برای گیتار اجرایی کرد. من هم به استناد اصل نت نوشته های آهنگساز ایده های خودم را پیاده کردم که با جیلاردینو متفاوت است و محصول ۵ سال کار تحقیقاتی من است و با تجزیه و تحلیل نقاشی های گویا، سعی کردم به داستانهای آنها پی ببرم. چون دوران گویا با توجه به محدودیت

ها، بسیاری از مطالب را در لایه های زیرین نقاشی اش بکار برده است. سپس من تحقیقی روی آثار تدسکو کردم که چه دلیل داشته برای یک نقاشی "گوات" یا "بوره" نوشته و یا برای یک نقاشی از "فوگ" استفاده کرده است. چه عاملی او را تحت تاثیر قرار داده تا این انتخابها را داشته باشد و من فرم آن آثار را تجزیه

و تحلیل کردم و خیلی چیزهای دیگر. در حقیقت من ناچار بودم هم نقاشی های گویا را تجزیه و تحلیل کنم و هم آثار تدسکو. در نهایت با ویرایش خودم و انگشت گذاریهای خودم پس از ۵ سال آنها را ضبط کردم.

• آیا شما به سبک خاصی از اجرا رسیده اید که متعلق به خودتان باشد؟

من از کسی تقلید نمی کنم، و اجراهایم مختص به خودم است. یعنی هم از لحاظ تکنیک و هم موزیکالیتت منحصراً به خودم است. موسیقی باید الهام بدهد بطوریکه شنونده ها با شنیدن آن روی پا بایستند. اجرا باید تازه باشد. در صورت تکراری بودن خیلی خسته کننده است.

• چه تعریفی از صاحب سبک دارید؟

باید شنونده را قانع کند.  
• معیارهای شما برای انتخاب رپر توارتان در کنسرت چیست؟

اولین معیار من، قطعاتی است که مورد علاقه خودم است. باید با قطعه ارتباط برقرار کنم. دوم اینکه مایلیم قطعات از سراسر دنیا انتخاب شده باشد. مثل یک سفر که از مکانهای مختلف دیدن می کنیم و تنوع داشته باشد. گیتار و موسیقی روی گیتار را به بهترین نحو دوست دارم که عرضه کنم.



### معتقدم هر نوازنده در زمان خودش باید با آهنگسازان هم عصر خودش کار کند



عکس از مهرداد آسمی



### من از آهنگسازان می خواهم که به سبک ایرانی برایم قطعه بنویسند



• تا چه اندازه به آثار آهنگسازان معاصر و جوان توجه دارید؟

همانطور که اطلاع دارید من با آقای "رضا والی" کار کردم و در یکی از آلبومهایم اثری از ایشان ضبط کرده ام. این قطعه برای من خیلی جالب بود چون مجبور بودم ربع پرده روی دسته گیتار اضافه کنم. من خیلی دوست دارم با این دست

آهنگسازان کار کنم. من معتقدم هر نوازنده در زمان خودش باید با آهنگسازان هم عصر خودش کار کند. پدیده های نو را روی سازش و در دنیای موسیقی تجربه کند. من از چیزهای جدید، بسیار استقبال می کنم و دید وسیعی از این بابت دارم. در حال حاضر یک آهنگساز اهل ترکیه قطعه ای در دست دارد که برای من است و تمام کوک گیتار عوض شده و از مقامهای ایرانی استفاده کرده است. من ضمن وفادار بودن به گیتار کلاسیک پدیده های نو را تجربه می کنم. اگر توجه کنید در تمام آلبومهای ضبط شده ام از آهنگسازان معاصر قطعاتی وجود دارد.

• معیارتان برای گزینش آثار آنان چیست؟

ابتدا آثارشان را گوش می دهم و زمانی که با قطعات آنها ارتباط برقرار کنم می پذیرم. به آهنگسازی که ایده های جدیدی در تفکراتشان و آثارشان دیده می شود توجه دارم نه اینکه ایده های تکراری باشد. دوران سریالیسم، مینی مالیسم گذشته، الان دوباره به ملودی، آثار فولک توجه بیشتر می شود. بخصوص من به آثاری که تمهای ایرانی دارند خیلی علاقه مندم، چونکه برای گیتار کلاسیک آثار ایرانی نداریم و من از آهنگسازان می خواهم که به سبک ایرانی برایم قطعه بنویسند و حاضرم که کوک را عوض کنم و فرت اضافه کنم.

• با توجه به اینکه گیتار قربانت و نزدیکی با سازهای ایرانی مثل برپت، تار، و سه تار داشته، آیا می توان از موسیقی دستگاهی یا ساختار مدهای ایرانی که از فواصل ربع پرده استفاده می شود به نحو مطلوب در این ساز انطباقی ایجاد کرد؟ استفاده ربع پرده در گیتار تا چه حد مقبول است؟

قطعه رضا والی مورد مناسبی است که ببینیم ایشان، موسیقی دستگاهی ایرانی را روی گیتار کلاسیک پیاده کرده اند و تازه اول راه هستیم. خیلی جای کار دارد و باید همچنان تجربه کنیم و آهنگسازان ایرانی برای گیتار قطعه بنویسند، فرت اضافه کنند. ما هم از بس که آثار غربی اجرا





کردیم، خسته شدیم و با توجه به اینکه گیتار ساز انعطاف پذیری است خیلی راحت می توان روی آن خلاقیت های جدید پیاده کرد. من و آقای والی تازه این حرکت را آغاز کردیم، در حالیکه این وادی خیلی وسیع است و می توان پیش برویم. من بعنوان یک گیتاریست ایرانی وظیفه خودم می دانم که پژوهش کنم و به دنبال این هستم که آهنگسازان ایرانی برای من قطعه بنویسند. من هم برای اجرای آن آثار اعلام آمادگی می کنم.

**• آیا علامات مرسوم ربع پرده ی در ایران، در خارج از کشور شناخته شده است؟**

هر علامتی را در شرح آن می آید که نوازنده باید چکار کند. زمانیکه من برای اثر رضا والی، فرت به گیتار اضافه کردم، مجلات و نشریات در آمریکا غوغا به پا کردند و من به فکر این افتادم که چرا زودتر از اینها به فکر این کار نیافتم. در واقع این امکانات وجود دارد فقط کافیست جسارت و انگیزه این کار را داشته باشیم.

**• یک قطعه از چه شاخص هایی باید برخوردار باشد تا بگوئیم آن اثر گیتاریستیک است؟**

باید قابل اجرا و قانع کننده باشد. نه آنقدر سخت باشد که نوازنده در پیاده کردن آن زجر بکشد. برخی آهنگسازان قطعه ای برای گیتار می نویسند ولی مثل اینکه برای پیانو نوشته اند. از رنگ آمیزی گیتار باید استفاده کرد. از سیمهای آزاد برای تغییر پوزیسیون استفاده شود. آهنگساز باید نت های روی فرت را بشناسد، که چه نت هایی بهم نزدیک و چه نت هایی از هم دورند، کجاها جهش وجود دارد، تک خطی نباشد و چه صداهایی می توان تولید کرد که از آکورد و آرپژ برخوردار باشد.

**• گیتار ساز پر طرفداری است. ولی رپرتوار برای آن کم است. این به چه دلیل است؟**

گیتار ساز مشکلی است. به اشتباه، این ساز را در کتابهای ارکستراسیون، جزء سازهای کوبه ای تقسیم بندی کرده اند، در حالیکه جزء سازهای زهی باید قرار بگیرد. باید به این ساز بیشتر در علوم آهنگسازی توجه شود. کافیست

**این وظیفه گیتاریست است که آهنگساز را وادار کند تا برایش قطعه بنویسد**

"فرت بورد" گیتار را به آهنگساز نشان بدهید، خود آهنگساز بقیه موارد را متوجه می شود. به نظر من این وظیفه گیتاریست است که آهنگساز را وادار کند تا برایش قطعه بنویسد. هم برای آهنگساز خوب است و هم برای نوازنده گیتار و هم برای شنوندگان ابعاد گیتار وسیعتر می شود. طبیعتا، آهنگسازان دیگر هم تشویق می شوند تا برای گیتار قطعه بنویسند. آهنگسازان برای گیتار قطعه نمی نویسند چون آشنا نیستند. پس من گیتاریست باید علاقه نشان دهم و همکاری کنم تا آنها بنویسند.

**• مایلم نظر شما را در باره برخی از نوازندگان گیتار از جهات سونوریتیه، تکنیک، رپرتوار و موزیکالیتیه بدانیم؟**

"بارونکو" از لحاظ تکنیک خیلی خوب است ولی از حیث موزیکالیتیه خسته کننده است، برای سونوریتیه از محدوده کوچکی استفاده می کند. دست راستش همیشه یک جا قرار دارد. من دوست دارم رنگ آمیزی در گیتار مشهود باشد. از لحاظ رپرتوار خوب است.

"تسارن ایزیزین" از لحاظ تکنیک خوب است. بیشتر دوست داشتم از "آپاندو" استفاده می کرد. بیشتر کارهایش "تیراندو"ست. سونوریتیه مناسبی ندارد چون صدای نازکی از سازش در می آید. رپرتوار خوبی دارد. از لحاظ موزیکالیتیه خوب است. به نظر می رسد که از قبل با برنامه ی از پیش تعیین شده اجرا می کند، در صورتیکه به نظر من اجرا باید آزاد باشد، به طوری که برای شنونده هیجان انگیز و غیرقابل پیش بینی باشد.

**• "دیوید راسل"**  
اجرای دیوید راسل از دو نوازنده بالایی برای من قابل قبول تر است. تکنیک اجرایی اش خیلی خوب است. سونوریتیه گرمی دارد و بیشتر مثل سبک اسپانیایی حجیم است. گیتاری که می زند گیتار "گیلبرت" است و صدای خاصی دارد. موزیکالیتیه خوبی هم دارد.

**• "اندرو یورک"**  
در مورد اندرو یورک فقط می توانم بعنوان آهنگساز صحبت کنم، نه گیتاریست. چونکه نوازندگی ایشان را در قالب کوارتت غالبا شنیدم نه بصورت انفرادی. قطعاتی که می نویسد خیلی سبک و بیشتر فولک آمریکایی است.

**• "دوشان بگدانویچ"**  
موسیقیدان و آهنگساز خوبی است. به فرهنگهای مختلف علاقه دارد. آثار تریو و تکنوازی اش شنیدم و برای من "فانتزی عمر خیام" نوشته است.

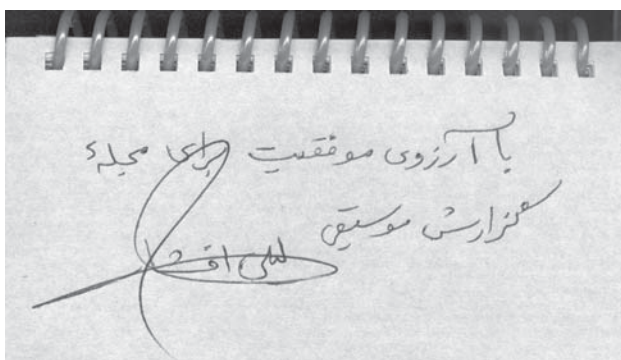
**• "اسکات تننت"**  
خوب است. تکنیک خوبی دارد و کمی از تکنیک "فلامنکو" استفاده می کند. "باپ رمرو" درس خوانده که ریشه اش از فلامنکو می آید. قطعاتی که می زند غالبا از هر لحاظ خوب است.

**• "لئو براور"**  
آهنگساز و گیتاریست است. البته در حال حاضر بدلیل صدمه دیدن دستش گیتار نمی زند. زمانیکه گیتار می نواخت علاقه مند بود از گروه هایی مثل "بیتلز" اجرا کند. اجرای او من را به هیجان می آورد و فرق می کند و من به این اجراها علاقه مندم.

**• الگوی شما در نوازندگی چه نوازگانی هستند؟**

الگوی من "سگویا"ست. از زمانیکه صدای ساز سگویا را شنیدم عاشق گیتار شدم. نمی گویم که من مثل سگویا می زنم و نمی خواهم که مانند او بزنم. برای اینکه او یک رباتوهای استفاده می کرد که در زمان او جایز بودند، ولی الان به شکل دیگری اجرا می شوند. او باخ را مثل "کاسالز" رومانیتیک می نواخت،

در صورتیکه الان باخ خیلی واضح اجرا می شود. ولی او موزیسین بود. از لحاظ تکنیک "جان ویلیامز" را خیلی می



را طی تجربیاتی که در این سالها در حین تدریس در ایران با آنها مواجه شدم و کمبودها را احساس کردم، مخصوص هنرجویان و دانشجویان ایرانی نوشتم.

#### • در خاتمه اگر مطلبی دارید بفرمائید.

بهترین چیزی که می توانم بگویم اینست که شاگردانم در کلاسها شرکت کنند چون در این کلاسها در مورد چیزهای مختلف و متنوع صحبت می شود که واقعا می توانند بهره ببرند. هر کسی مطلب جدیدی فرا می گیرد و از اجراهای دیگران هم بسیاری مطلب فرا می گیرند. توصیه می کنم به همه سبک موسیقی توجه داشته باشند، به دیدن کنسرتها بروند، آثار موسیقی متنوع گوش کنند، مجله شما را بخوانند و سعی کنند بعد و دیدگاهشان را وسیع و وسعتر کنند. نت های موسیقی را دشیف و رهبری کنند چون هنرجویانی که در ایران با آنها کار کرده ام در دشیف کردن خیلی ضعیفند.

استعداد هنرجویان موسیقی و علاقه مند در ایران بسیار زیاد است و جای پیشرفت دارند.

#### • من از شما برای این گفتگو بسیار ممنونم.

من هم به نوبه خودم از شما تشکر میکنم.

می زند، ولی موسیقی اش خشک صدا می دهد و مثل سگویا گرم نیست. در رپرتوارش همه قطعات گیتاری را زده و ضبط کرده و الان به دنبال رپرتوار تازه میگردد که من این را دوست دارم. آدمها همانطور که شخصیت شان هست اجرا می کنند. یکی شخصیت خشکی دارد، پس موسیقی اش خشک است، یکی خجالتی، ولی به نظر من یک نوازنده باید مثل یک هنرپیشه همه گونه حالت را بتواند اجرا کند.

مصاحبه یک هنرپیشه را می خواندم که می گفت نقش من در این فیلم خیلی مشکل است، چون مجبورم ساعت ۵ صبح بیدار شوم و بلافاصله بعد از گرم بزنم زیر گریه، و هر روز اینکار را باید انجام دهد تا گریه ای طبیعی داشته باشد. ما هم همینطور باید روی صحنه اگر لازم باشد همان لحظه با سازمان گریه کنیم، خوشحالی کنیم و به حالمان بستگی ندارد. جان ویلیامز متاسفانه اینطور نیست و من را بعنوان شنونده از لحاظ موزیکالیت، تشنه نگه می دارد. سگویا از این بابت من را ارضاء می کند. "جولیان بریم" از این بابت ارضاء می کند، البته آثار ضبط شده، ولی در اجراهای زنده اش من را دچار اضطراب می کند، چون از جهت تکنیک اشتباه است. نوازنده در اجرا باید دلپذیر باشد. یادم می آید در فستیوالی در "کالرادو" آمریکا، برنامه "کنسرتو ویلن برامس" بود که نوازنده ویلن، آنقدر استیل بدی داشت و شکلک از خودش در می آورد که از تحمل من خارج بود و اصلا نتوانستم کنسرت را دنبال کنم. مجبور شدم ادامه برنامه را با چشمان بسته بشنوم.

#### • آیا شما کتابی هم در دست تالیف دارید؟

من متد خودم را نوشتم. در این کتابها تمامی دروسی که خودم ضمن تحصیل از اساتیدم فراگرفته ام و همچنین تمامی تجربیات که طی سالها کسب کرده ام را شامل می شود. به جای اینکه کتاب دیگران را ترجمه کنم، از متد و فکر خودم استفاده می کنم. در آینده هم پس از انتشار کتابهایم، از روی آنها تدریس خواهم کرد. این کتابها در ۲ جلد است: ۱- مقدماتی ۲- پیشرفته، که انتشارات "ماهور" آنها را چاپ خواهد کرد. همچنین چاپ قطعات دوره های مختلف با ویرایش من توسط انتشارات "پرگار" به چاپ خواهد رسید. مطالب این کتابها